

## روز سیاه کارگر، سرآغاز رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات داستانی ایران

<sup>۱</sup> ID جاوید سیفی

<sup>۲</sup> ID ویدا دستمالچی

<sup>۳</sup> ID محمد پاشایی مهترلو

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۴

DOI: [10.22080/RJLS.2025.27696.1499](https://doi.org/10.22080/RJLS.2025.27696.1499)

### چکیده

احمدعلی خداداده در سال ۱۳۰۶ رمان سوسیالیستی «روز سیاه کارگر» را بر مبنای اصول سوسیالیستی شوروی در کرمانشاه منتشر کرد. به فاصله‌ی نه چندان زیادی ادبیات داستانی سوسیالیستی در ایران به‌طور رسمی شکل گرفت و نویسندگان دیگری آثاری از نوع روز سیاه کارگر خلق کردند. با توجه به ساختار و محتوای این آثار - که بی‌تردید به تقلید از ادبیات سوسیالیستی و رئالیستی شوروی و فرانسه و بیانیه‌های کمونیستی و مارکسیستی همان روزها بود - می‌توان مانیفستی نسبتاً روشن و ساختمان‌مند برای این رمان‌ها در نظر گرفت که بنای همه‌ی آنها بر پایه‌ی رمان «روز سیاه کارگر» است؛ اول اینکه پیرنگ در خدمت اهداف رئالیسم سوسیالیستی است؛ یعنی تقابل مالک و رعیت و مهاجرت برای یافتن کار، اساس پیرنگ رمان است. مورد دوم محتوای سوسیالیستی است: فقر و بی‌عدالتی، تقابل علم با جهل و خرافه، تأکید بر حقوق کارگری از مهم‌ترین موضوعات سوسیالیستی در این اثر به شمار می‌رود. سوم تیپ‌سازی در شخصیت‌پردازی است. شخصیت اصلی رمان نمونه‌ای از جامعه‌ی بزرگ‌تری است که درد او درد مشترک سایر اعضا نیز است و در آخر زمان و مکان رئالیستی رمان که مطابق با تاریخ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خاص دوران نویسنده است و به‌صورت هدفمند برای انتقاد از واقعیات تلخ زندگی طبقاتی و تقویت روحیه‌ی مبارزه و سازش‌ناپذیری، ترسیم شده است. روش مطالعه در این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی است. نتیجه اینکه خداداده هم‌زمان دو هدف را نشانه گرفته است: یکی طبقه‌ی حاکم و سرمایه‌دار بابت ظلمی که به کارگر و رعیت روا می‌دارند، دیگری طبقه‌ی کارگر که خود به‌واسطه‌ی جهل و خرافه‌پرستی و بی‌اطلاعی، قدمی برای بهبود زندگیش بر نمی‌دارد و استبدادپذیریش را با باورهای نادرست و غیرعقلانی توجیه می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** روز سیاه کارگر، احمدعلی خداداده، رمان فارسی، رئالیسم سوسیالیستی، ادبیات داستانی.

### ۱- مقدمه

توجه به جامعه در شکل ابتدایی آن در دوران معاصر با ادبیات داستانی و رمان‌های اجتماعی شکل گرفت. زندگی شهری و دغدغه‌ها و مشکلاتی که بر اثر گسترش شهرها در ایران شکل می‌گرفت و ترجمه‌ی داستان‌های غربی، به خلق رمان اجتماعی در ایران منجر شد. اولین رمان اجتماعی در تاریخ

<sup>۱</sup> j.seyfi69@gmail.com

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران. رایانامه:

<sup>۲</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران. (نویسنده مسؤول) رایانامه:

dastmalchivida@yahoo.com

m\_pashaie@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران. رایانامه:

داستان‌نویسی فارسی، رمان «تهران مخوف» اثر مشفق کاظمی است. این کتاب در سال ۱۳۰۱ ش. به صورت پاورقی در روزنامه‌ی ستاره‌ی ایران و در سال ۱۳۰۳ به شکل کتاب منتشر شد. (میرعابدینی/ ج ۱، ۱۳۸۰: ۵۷)؛ در این اثر و آثاری که در ادامه به تقلید از آن نوشته شد، زوال ارزش‌های اخلاقی قدیم، برآمدن طبقه‌ی متوسط بر اثر ایجاد ادارات و استخدام کارمندان، انتقاد از وضع نامطلوب جامعه و توجه به وضعیت زنان موضوعات اصلی را شکل می‌دهد. این نوع آثار از ارزش ادبی چندانی برخوردار نبودند ولی ارزش تاریخی آنها در شکل‌گیری محتوایی جدید در ادبیات فارسی قابل‌اهمیت است. رمان «روز سیاه کارگر» که در امتداد آفرینش رمان اجتماعی ایران توسط احمدعلی خداداده گرد دینوری در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه منتشر شد، استثنایی در رمان اجتماعی آن دوره به شمار می‌آید. خداداده در رمان خود می‌خواهد به توصیف زندگی طبقه‌ی کارگر و عامه‌ی رنجبر بپردازد. او به تفاوتی که رقم زده آگاه است، برای همین در سرآغاز داستانش درباره‌ی اثری که خلق کرده است، چنین می‌گوید: «برخلاف مصنفین سلف، به نام طبقه‌ی کارگر و عامه‌ی رنجبر که دائماً از شدت حرارت و سختی کار در شعاع آفتاب، گونه‌های برافروخته و درخشان و سوخته و همواره افسرده از بی‌برگی چون مرده‌اند، خود گرسنه و جهانی را سیر می‌نمایند، خود برهنه و خلقی را ملبوس می‌دهند، روی کره را عمارت و آباد کنند و خود جز تنگنایی گور مانند خانه ندارند...». (از حقوق بشری کالمعدوم، زینت می‌دهم). (خداداده، ۱۳۹۵: ۶۷)

آگاهی از ظلمی که در حق طبقات فرودست جامعه می‌رفت، به وسیله‌ی تجربه و زیست در آن جامعه توسط نویسندگان و متفکران قابل لمس و درک بوده است، اما نمی‌توان تأثیر آثار ترجمه‌شده‌ی خارجی را نیز در آنان نادیده گرفت. در بررسی سیر ترجمه‌ی آثار ادبی غربی به فارسی از سال ۱۳۰۰ تا اواخر سلطنت رضاشاه نزدیک به صد رمان ترجمه گردید که در مقایسه با ادوار پیشین پیشرفت قابل توجهی داشت. در این دوره ترجمه و خوانش آثار روسی مورد اقبال بیشتری در ایران قرار گرفت و تنوع آثار ترجمه‌شده رو به فزونی گذاشت و علایق و گرایش‌های ادبی متنوع‌تری را پدید آورد. (بالایی، ۱۳۷۷: ۶۶)؛ هیچ بعید نیست که احمدعلی خداداده نیز با توجه به دغدغه‌ی اجتماعی خود و همچنین با مطالعه‌ی آثاری از این دست از ادبیات جهان به‌ویژه ادبیات روسیه - که در آن دوران تحت سیطره‌ی افکار سوسیالیستی بود- در آفرینش رمان روز سیاه کارگر از چنین آثاری الهام گرفته باشد. او ثروت و سیری اغیا را حاصل دسترنج کارگران و گرسنگی آنان می‌داند و در همان ابتدای داستان تضاد طبقاتی و درکی را که از آن دارد به تصویر می‌کشد. خداداده در مقاله‌ای که تحت‌عنوان «ما و دهقانان ایران» در روزنامه‌ی بیستون نوشته است در مورد تضييع حقوق دهقانان و کشاورزان می‌گوید: «بارها نوشتیم و نوشتند این طبقه‌ی دهقان و کشاورزان این اسکلت‌های تولیدکننده این ماشین عظیم زندگانی بشر در کشور تاریخی ایران چرا از حق زندگانی و قوانین بشری محروم و از احتیاجات اولیه‌ی امرار عمر

بی‌نصیب هستند. در زیر بار فشار و شکنجه‌ی صدها حاکم قانونی و غیرقانونی چون پاکار و مباشر و دکان‌دار و مستأجر و ژاندارم و مأمورین نظام‌وظیفه و بخشدار و کدخدا و و در عذاب دایمی گرفتار. نه قانون نه اعلامیه‌ها و تصویب‌نامه‌های دروغی نه قلم روزنامه‌نگاران نه احساسات آزادی‌خواهان تاکنون گرهی از مشکلات این طبقه نگشوده است.» (خداداده، ۱۳۲۶: ۱)؛ در همین مقاله گرایش‌های ضد سرمایه‌داری او نیز به وضوح مشخص می‌شود: «اخیراً دولت آمریکا پا را فراتر گذاشته توسعه‌ی اقتصاد ایران را با سی میلیون دلار می‌خرد. اسلحه‌ی آمریکایی را کهنه تشخیص داده می‌خواهد به ما بفروشد این عیناً مثل رفتار مالکین چند سال قبل در ایران است.» (همان: ۱)

#### ۱-۱- بیان مسأله

ادبیات کارگری را می‌توان زیربنا و اساس رئالیسم سوسیالیستی (Socialist Realism) در ایران دانست چرا که توجه به تضاد طبقاتی و استثمار اکثریت را توسط اقلیت نشان می‌دهد و بستر مناسبی برای نمود سوسیالیسم در ادبیات فراهم می‌کند. روز سیاه کارگر از دو جهت ممتاز است؛ اول اینکه در آنچه به تصویر می‌کشد و محتوای جدیدی که آگاهانه و نه اتفاقی ارائه می‌دهد، پیشرو است. این محتوای جدید هر چقدر هم که ناپخته و خام باشد چراغ راه آیندگان در آفرینش و تکامل رئالیسم سوسیالیستی در ایران است. دوم اینکه از آنچه در جهان پیرامون اتفاق می‌افتد درک مناسبی دارد، برای همین این کتاب به دلیل همسویی با محتوای غالب آن دوره از ادبیات روسیه یعنی رئالیسم سوسیالیستی در این کشور ترجمه و چاپ شده و از طرف خوانندگان با اقبال مواجه می‌گردد.

پژوهش حاضر با بیان چگونگی پیدایش و گسترش تفکر سوسیالیستی در ایران و راه‌یابی آن به آثار ادبی در پی تبیین این مسأله است که با تکیه بر چه عوامل و دلایلی می‌توان رمان روز سیاه کارگر را سرآغاز رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات داستانی ایران دانست.

#### ۱-۲- پرسش‌های پژوهش

\_\_ رمان روز سیاه کارگر به عنوان نمونه‌ی آغازین مکتب رئالیسم سوسیالیستی، بیشتر به کدام یک از ویژگی‌های این مکتب پرداخته است؟

\_\_ دریافت نویسنده از مفاهیم سوسیالیستی و بازتاب آن در اثر خود به چه میزان دقیق و مطابق با اصول واقعی این مکتب است؟

\_\_ شاخصه‌های مکتب رئالیسم سوسیالیستی را باید در کدام زمینه‌های محتوایی رمان روز سیاه کارگر جستجو کرد؟

\_\_ آیا شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در دوران خلق رمان روز سیاه کارگر با ایجاد و پیدایش آثار سوسیالیستی در ادبیات فارسی سازگار بوده است؟

### ۳-۱- روش پژوهش

این پژوهش به صورت منسجم با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

### ۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به آمار و داده‌های بانک‌های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی، نورمگز، مگیران، سیویلیکا و... پیش از تحقیق حاضر، دو پژوهش ارزشمند درباره‌ی این رمان انجام شده است. دو مقاله تحت عنوان «بررسی شخصیت‌های کتاب روز سیاه کارگر» و «نخستین رمان اقلیمی در داستان‌نویسی معاصر» در مورد رمان روز سیاه کارگر یافت شد که با اهداف پژوهش حاضر کاملاً متفاوت است. اگر قرار بر بررسی آثار داستانی براساس اقلیم‌های مختلف باشد، باید به تعداد اقلیم‌هایی که در جهان وجود دارد سبک و شیوه‌ی ادبی نیز وجود داشته باشد، حال آنکه این گونه نیست. در بررسی جلد‌های مختلف کتاب «فهرست مقالات فارسی» از ایرج افشار نیز نامی از احمدعلی خداداده که بیانگر مقاله‌ای در مورد او باشد مشاهده نشد. محمدحسین خسروپناه در مقاله‌ی ژورنالیستی خود با عنوان «سرآغاز رئالیسم سوسیالیستی در ایران» با ذکر نام خداداده به عنوان نویسنده‌ی سوسیال دموکرات به اهمیت رمان روز سیاه کارگر در بیان علل و عوامل ظلم و ستم طبقاتی، جهل و خرافه و فقر اشاره می‌کند. (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۱۳۹)؛ میرعابدینی در کتاب «صد سال داستان‌نویسی در ایران» اشاره‌ای کوتاه به این اثر دارد و ارزش و اهمیت آن را به عنوان اثری که در دوره‌ی آفرینش از سایر آثار اجتماعی ممتاز است، یادآور می‌شود. (میرعابدینی، ۱۳۸۰/ ج ۱: ۶۱-۶۲)

نگارنده ضرورت پژوهش را در عدم توجه و پرداخت کافی به این اثر مهم می‌داند و معتقد است برای یافتن ریشه‌های رئالیسم سوسیالیستی در ایران باید سراغ رمان روز سیاه کارگر رفت. این اثر به‌خوبی نوع دریافت اولیه‌ی نویسندگان ایرانی از جنبش‌های سوسیالیستی را نشان می‌دهد و از این منظر بر سایر آثار فضل تقدم دارد. علاوه بر این تفکر کمونیستی (Communist) که در بستر سیاسی و اجتماعی ایران پیش از خلق این اثر رخ داده بود با رمان روز سیاه کارگر وارد ادبیات ایران شد و در سال‌های بعد از آن و با شکل‌گیری حزب توده و گسترش فعالیت‌های حزبی، دریافت دقیق و عمیق‌تری را می‌توان در آثار ادوار بعدی مشاهده نمود.

### ۲- مبانی نظری پژوهش

پیش از تحلیل داده‌های مربوط به رمان روز سیاه کارگر، لازم است مبانی نظری پژوهش حاضر ذیل عناوین سوسیالیسم و رئالیسم سوسیالیستی مورد بررسی و معرفی قرار گیرد، به همین علت در ادامه به مفهوم سوسیالیسم و چگونگی ظهور آن در ایران و تأثیری که در تشکیل احزاب سیاسی نهاد، پرداخته

خواهد شد و در زمینه‌ی ادبیات داستانی نیز به نحوه‌ی ظهور مکتب ادبی رئالیسم سوسیالیستی و ویژگی‌های آن و همچنین معرفی رمان روز سیاه کارگر پرداخته خواهد شد.

## ۱-۲- سوسیالیسم (Socialism)

ریشه‌ی اصطلاح سوسیالیسم از واژه‌ی Social (سوسیال) به معنای اجتماعی و آنچه به اجتماع مربوط است از زبان فرانسه گرفته شده است. (حاجی زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۱)؛ سوسیالیسم در واقع مرحله‌ی اول از یک فورماسیون اجتماعی- اقتصادی است که کمونیسم نام دارد. سوسیالیسم، جامعه‌ای است که طبق قوانین عینی رشد اجتماع به جای سرمایه‌داری مستقر می‌شود، اقتصاد کشور بر مالکیت عمومی وسایل و ابزارهای اساسی تولید بنیانگذاری می‌شود؛ برخلاف سرمایه‌داری که بر مالکیت خصوصی استوار است. (ناظمی، ۱۳۸۷: ۱۳۶)؛ از میان فیلسوفانی که با تکیه بر آرمان برقراری عدالت به ترسیم جامعه‌ی آرمانی یا همان مدینه‌ی فاضله دست زدند، می‌توان به «توماس مور» (Thomas More) اندیشمند و سیاستمدار انگلیسی و خالق واژه‌ی اتوپیا (Utopia) اشاره کرد. مور خانواده را یک واحد اقتصادی و زیستی دانست. کتاب اتوپای مور اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری تمدن اروپایی داشت. (آشوری- افشار نادری، ۱۳۸۷: ۲۲)؛ از دیگر اندیشمندان سوسیالیست می‌توان به ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau) در قرن هجدهم و سن سیمون (Claude Henri De Saint Simon) اشاره کرد، اما آنچه اصطلاح سوسیالیسم را در قرن نوزدهم مشهور ساخت، رساله‌ای بود با عنوان «سوسیالیسم چیست» اثر رابرت اون (Robert Owen). (ملکی، ۱۳۵۷: ۱۱)

آراء متفکران چند دهه‌ی اول قرن نوزدهم در فرانسه و انگلستان را می‌توان نزدیک‌ترین چهره به سوسیالیسمی دانست که اندکی بعد در اواسط همین قرن توسط مارکس و انگلس (Friedrich Engels) پایه‌ریزی شد و شهرت جهانی یافت. انگلس در اثر خود با عنوان «تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم» تمام سوسیالیست‌های پیش از مارکس را سوسیالیست‌های خیالی می‌نامد؛ زیرا آنان آرمان‌گرایانه می‌خواستند عدالت همگانی را به ارمان بیاورند، درحالی‌که شناخت درستی از علل نابرابری‌های موجود نداشتند. (انگلس، ۱۳۸۳: ۳۵)؛ سوسیالیسم مارکس برعکس آنان که نگاهی آرمانی به بهبود وضعیت آزادی کل بشریت داشتند، متعلق به طبقه‌ی کارگر است و بر زمینه‌های تاریخی و تجربی ناشی از چگونگی استثمار این طبقه استوار است. مارکس ابتدا جریان تکاملی سرمایه‌داری صنعتی را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی تجزیه و تحلیل کرد سپس با بررسی عملکردهای اجتماعی و اقتصادی روزگار خودش، راه‌حل مشکلاتی را که سرمایه‌داری ایجاد کرده بود نشان داد و روشن کرد که سیر تکاملی سرمایه‌داری به کمک طبقه‌ی کارگر و سایر طبقات زحمتکش در نهایت به ملی کردن وسایل تولید و توزیع منجر خواهد شد. انگلس نیز معتقد است که سوسیالیسم، مولود مبارزه بین سرمایه‌داران و طبقه‌ی کارگر است. (ملکی، ۱۳۵۷: ۱۶)

آنچه امروزه تحت عنوان سوسیالیسم رایج است با مارکس آغاز شد. او سوسیالیسم را به معنای کمونیسم استفاده می‌کرد و هرگز این واژه را در مفهوم دوران گذار به کمونیسم به کار نبرد. لنین پس از انقلاب اکتبر روسیه آن را به معنی دوران گذار استفاده کرد و استالین اعلام کرد که سوسیالیسم مرحله‌ی دیکتاتوری پرولتاریا (Proletari) و راهگشای کمونیسم است. (احمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۰)؛ ذکر این نکته ضروری است که منظور از دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری طبقه‌ی کارگر است برای از بین بردن طبقه‌ی حاکم یا استثمارکننده‌ی سابق. در جامعه‌ی سوسیالیستی پس از برچیده شدن طبقه‌ی استثمارکننده، دیکتاتوری باید جای خود را به دموکراسی بدهد و دولت در معنایی که در گذشته وجود داشت از بین برود.

## ۲-۱-۱- ظهور سوسیالیسم در ایران

ریشه‌ی پیدایش تفکر سوسیالیستی در ایران را باید در تشکیلات و اهداف «فرقه‌ی عدالت» جستجو کرد. پایه‌ریزی فرقه‌ی عدالت توسط ایرانیان مهاجر به قفقاز صورت گرفت. پس از دوران مشروطه و در دوران آخر سلطنت قاجار، عده‌ی کثیری از دهقانان و کارگران ایرانی - که بیشتر از شهرهای آذربایجان بودند - تحت فشار مالیات‌های اربابان و بیکاری ناشی از اوضاع مشوش ایران برای کار عازم مناطق قفقاز و سایر نقاط روسیه شدند. تعداد کارگران ایرانی معادن این مناطق در اثنای جنگ بین‌الملل اول بالغ بر صد هزار نفر بود. (پیشه‌وری، ۱۳۵۹: ۱۵)؛ در میان مهاجران ایرانی، معدود افرادی که با حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و تشکیلات سوسیالیستی باکو آشنایی داشتند یا در آنها عضو بودند در راستای دفاع از منافع کارگران ایرانی «شورای کارگران مهاجر ایرانی» را تشکیل دادند. (خسروپناه، الیور باست؛ ۱۳۹۲: ۵)؛ در نهایت در سال ۱۹۱۷ میلادی مصادف با ۱۲۹۶ شمسی همزمان با تشکیل حکومت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی جلسه‌ی مؤسسان فرقه‌ی عدالت ایران در محله‌ی صابونچی باکو که محل زندگی کارگران ایرانی بود تشکیل شد. (همان: ۹)؛ فرقه‌ی عدالت ایران متحد استراتژیک حزب بلشویک (Bolshevik) و سازمان همت باکو (سازمان مسلمانان طرفدار بلشویک‌ها) بود. این فرقه در پی متشکل کردن کارگران، دهقانان و زحمتکشان و برپایی انقلاب اجتماعی در ایران بود.

با آغاز جنگ جهانی اول، جنبش جنگل در سال ۱۲۹۳ شمسی متشکل از دهقانان، کشاورزان، پیشه‌وران و صیادان انزلی علیه تجاوز انگلیس و روسیه به خاک ایران در مناطق شمالی تشکیل شد و موفقیت‌های زیادی در تقابل با قوای بیگانه به دست آورد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که مصادف با سال ۱۲۹۶ شمسی بود موجب تغییر رویکرد شوروی در قبال ایران شد، برای مثال دولت شوروی وام‌های ایران از روسیه‌ی تزاری را کان لم یکن تلقی و اعلام کرد به هیچ‌وجه در امور مربوط به عواید ایران از جمله درآمد گمرک و مالیات ارزی و... دخالتی نخواهد کرد و دریای خزر برای کشتی‌هایی که پرچم آزاد و

مستقل ایران را داشته باشند قابل استفاده خواهد بود. (فخرایی، ۱۳۷۶: ۱۲۴)؛ علاوه بر این، بلشویک‌ها اعلام کردند که از ایران عقب‌نشینی خواهند کرد. همین امر موجب تمایل جنگلی‌ها به ایجاد روابط با آنان شد و کار تا جایی پیش رفت که کمیته‌ی سوسیالیستی جنگلی‌ها ایجاد شد. این اندازه چرخش در سیاست روس‌ها نسبت به ایران موجب ایجاد گرایش‌های سوسیالیستی در میان رهبران جنگل و ایجاد ارتباط با فرقه‌ی عدالت شد که در تغییر چهره‌ی این جنبش و ورود رسمی و پررنگ تفکر سوسیالیستی به ایران تأثیر فراوانی داشت. به گونه‌ای که گفته می‌شود پس از سال ۱۹۱۷ م. از میان پنج هزار نفر نیروی نظامی منظم نهضت جنگل، بیش از ششصد نفر آنان از بلشویک‌های باکو بودند که به حزب عدالت تعلق داشتند. (ذبیح/ ج ۱، ۱۳۶۴: ۴۶)؛ در نتیجه‌ی این وقایع، جمهوری شورایی سوسیالیستی گیلان در اتحاد با جماهیر شوروی به صورت رسمی شکل گرفت و پرچم سرخ خود را برافراشت و حزب کمونیست ایران اولین کنگره‌ی خود را در اول مرداد ۱۲۹۹ در بندر انزلی تشکیل داد. (همان: ۶۱)؛ با امضای پیمان مودت بین حکومت ایران و شوروی و شکست جنبش جنگل و همچنین با اوج‌گیری قدرت رضاخان، حزب کمونیست ایران روندی رو به افول را طی کرد.

آشنایی اولیه‌ی نخبگان ایرانی با مرام سوسیالیستی بیش از آنکه از طریق آموزه‌های مارکس باشد، توسط تحولات اجتماعی و سیاسی روسیه و ظهور تفکرات لنین صورت گرفت. همچنین فعالیت و گسترش روزنامه‌ها و نشریاتی که در داخل ایران یا در خارج چاپ می‌شد تنها دریچه‌ی آشنایی و بازتاب این تفکر در بین ایرانیان بود. در سال ۱۳۱۰ با تصویب قانونی علیه فعالیت‌های کمونیستی در ایران عده‌ای از فعالان این عرصه دستگیر شدند تا اینکه در سال ۱۳۱۶ این قانون گروه دکتر ارانی را که با انتشار مجله‌ی «دنیای» در پی ترویج مارکسیسم در بین روشنفکران و دانش‌آموختگان بود، گرفتار کرد و او و پنجاه و سه نفر از یارانش به جرم فعالیت‌های کمونیستی بازداشت و محاکمه شدند. (ذبیح/ ج ۱، ۱۳۸۴: ۱۲۲)

#### ۲-۱-۲- ظهور حزب توده در ایران

پس از اشغال ایران توسط متفقین و کناره‌گیری رضاشاه از سلطنت و آزادی زندانیان سیاسی، جلسه‌ی مؤسسان حزب توده‌ی ایران در ۷ مهرماه ۱۳۲۰ با حضور برخی از رهبران و اعضای پیشین حزب کمونیست ایران و تنی چند از فعالان سیاسی عصر مشروطه و عده‌ای از اعضای گروه پنجاه و سه نفر در تهران تشکیل شد. در همان سال‌های اولیه علاوه بر تهران کمیته‌های محلی، ایالتی و ولایتی حزب در بیشتر مناطق ایران شکل گرفت و گسترش یافت. نخستین کنگره‌ی حزب توده‌ی ایران در سال ۱۳۲۳ ش. تشکیل شد و مرام‌نامه و نظام حزب به تصویب رسید، این مرام‌نامه، حزب توده‌ی ایران را حزبی دموکراتیک یا به تعبیر بهتر سوسیال-دموکراتیک (Social Democratic) معرفی کرد. (فیرحی، ۱۳۹۶: ۱۵۵)؛ در بهمن‌ماه سال ۱۳۲۷ در پی سوءقصد به جان شاه و متهم شناخته شدن حزب توده، با توسل به

قانون ۱۳۱۰ حزب توده به عنوان سازمان کمونیستی منحل و غیرقانونی اعلام شد. دولت همچنین حزب توده را به برپایی شورش در آبادان، سازماندهی اعتصابات در خوزستان، مسلح کردن کارگران در مازندران و تشویق جدایی‌طلبان آذربایجان و کردستان متهم کرد. در پی این وقایع پلیس دفاتر حزب توده را اشغال کرد و طی ماه‌های بعد بیش از ۲۰۰ تن از رهبران و فعالان حزب دستگیر و محاکمه شدند. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۳۹۱)؛ گزیده‌ای از مرام‌نامه‌ی درخواست و اهداف حزب که حین برگزاری کنفرانس‌ها و کنگره‌های متعدد طی سالیان مختلف بیان و تبیین شده بدین گونه است: مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه‌ی حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی زبان، قلم و عقیده، تصفیه‌ی دستگاه دولتی از عناصر ناصالح، تشکیل دادگاه عالی ملی برای محاکمه‌ی اشخاصی که به مملکت و آزادی خیانت کرده‌اند و ضبط اموالی که از این راه به دست آمده به نفع مردم ایران، تجدیدنظر در قوانین و مقررات نظام و طبقه به نفع توده، تقلیل مدت کار روزانه در تمام کشور به ۸ ساعت و پرداخت دستمزد مناسب برای کارهای اضافی، بیمه‌ی اجتماعی کارگران و کارمندان و مستخدمان، به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و حق اعتصاب دسته‌جمعی، تساوی دستمزد کارگران زن و مرد، کوشش در اصلاح وزارت کار به نفع طبقه‌ی کارگر، واگذاری بلاعوض املاک قابل کشت دولتی به دهقانان بی‌ملک، کمک‌های مالی به دهقانان، تجدیدنظر در قانون کدخدایی، لغو مالیات‌های اربابی، تساوی حقوق زوجین و ... (نامشخص، ۱۳۶۰: ۱۴۳-۱۴۴)؛ حزب توده پس از منحل شدن به صورت پنهانی فعالیت‌های خود را ادامه داد و در پاییز سال ۱۳۳۱ با انتشار جزوه‌ای رسماً خود را حزب طبقه‌ی کارگر و دارای جهان‌بینی مارکسیستی-لنیستی (Marxism-Leninism) دانست و در دهه‌ی چهل خواستار سرنگونی شاه و تشکیل جمهوری دموکراتیک و ملی شد. (فیرحی، ۱۳۹۶: ۵۶)

## ۲-۲- رئالیسم سوسیالیستی

سیاست‌زدگی و بیان عقاید سیاسی از دوره‌ی تزاری در آثار نویسندگان و شاعران روز مشاهده می‌شود. پایه‌پای این سیاسی‌نویسی، سانسور و مقابله‌ی حکومت با نشر و گسترش این آثار و تفکرات موجود در جامعه‌ی روسیه به وجود آمد. سانسور در دوره‌ی تزاری به حدی بود که انتشار بسیاری از اشعار شاعری چون پوشکین (Alexander Pushkin) ممنوع می‌شد و یا به تأخیر می‌افتاد. با وجود تمام این مسائل، سیاست از راه‌های مختلف به ادبیات روسیه راه یافته بود؛ به گونه‌ای که با هیچ کشور اروپایی دیگر قابل قیاس نبود و مشابه آن را نمی‌شد یافت. از دیگر موارد سانسور در قرن نوزدهم روسیه می‌توان به هجویه‌ای به نام «نفوس مرده» اثر نیکلای گوگول (Nikolai Gogol) اشاره کرد که با اقبال فراوانی نزد مردم روبرو شد ولی کار به جایی رسید که او در مقدمه‌ی ویرایش دوم نفوس مرده مجبور شد بیان کند که چیزهای زیادی در این کتاب به اشتباه و نه مطابق با امور واقعی روسیه نوشته شده است. (علی، ۱۳۹۶: ۱۳۹۶)

۱۵۷) لنین (Vladimir Lenin)؛ -نخستین رهبر جمهوری سوسیالیستی شوروی- در چنین فضایی رشد کرد. طارق علی -روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی چپ‌گرا- معتقد است که عشق لنین به ادبیات، انقلاب روسیه را شکل داد. او معتقد است لنین بهتر از اکثر افراد می‌دانست که ادبیات روسی همیشه به سیاست آغشته بوده است. او تسلط خوبی بر ادبیات روسیه داشت، اما نویسنده‌ای که بیشترین تأثیر را بر لنین و یک نسل از نیروهای رادیکال انقلابی داشت، نیکولای چرنیشفسکی (Nikolay Garvillovich Chernyshevsky) بود. رمان آرمانشهری او به نام «چه باید کرد؟» تبدیل به کتاب مقدس نسل جدید شد. این کتابی بود که لنین را رادیکال کرد، مدت‌ها پیش از آنکه مارکس (Karl Marx) را کشف کند. (همان: ۱۵۸-۱۵۹)

شکل خاصی از ادبیات واقع‌گرایانه که تحت تأثیر انقلاب اکتر روسیه، تبلیغات حزبی و آموزه‌های لنین و استالین (Joseph Stalin) در روسیه رواج یافت و منجر به خلق آثار فراوانی شد، با نام «رئالیسم سوسیالیستی» شهرت پیدا کرد. از نویسندگان رئالیسم سوسیالیستی که زیربنای آن را اندیشه‌ی مارکسیستی-لنیستی شکل می‌دهد می‌توان به ماکسیم گورکی (Maxim Gorky)، ژدانف (Andrei Zhedanov) و کارل رادک (Karol Radek) اشاره کرد. حزب کمونیست روسیه رئالیسم سوسیالیستی را به عنوان آموزه‌ی رسمی سندیکای هنرمندان و نویسندگان معرفی کرد. (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۰۳-۲۹۹)

رئالیسم سوسیالیستی در میان روشنفکران و هنرمندان جامعه‌ی آن روزگار روسیه، طرفداران بسیاری پیدا کرد. در سال ۱۹۳۲ میلادی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست سندیکای واحدی تشکیل داد که هنرمندان مختلفی گرد هم آمدند و رئالیسم سوسیالیستی آموزه‌ی رسمی آنان شد. اساس رئالیسم سوسیالیستی وفاداری به حقیقت زندگی است. هر اندازه که این زندگی سخت باشد، بایست مجموعه‌ی آن با صورت‌های هنری و از دیدگاه کمونیستی تصویر شود. اصول ایدئولوژیک و جمال‌شناسانه‌ی رئالیسم سوسیالیستی در سرسپردگی به ایدئولوژی کمونیستی، قرار دادن فعالیت خود در خدمت خلق و روح حزب و همبستگی با مبارزات توده‌های زحمتکش، اومانیزم (Humanism) سوسیالیستی و انترناسیونالیسم (Internationalism) و طرد فرمالیسم (Formalism) و درون‌گرایی و نیز بدوی‌گرایی ناتورالیسم (Naturalism) تعریف می‌شود. رئالیسم سوسیالیستی بر پایه‌ی برداشت مارکسیست-لنیستی از جهان بنا شده است و در این چهارچوب هنرمندان را تشویق می‌کند تا سبک‌های مختلف هنری را تعریف و تحلیل کنند. در جامعه‌ی کمونیستی شوروی -که خاستگاه رئالیسم سوسیالیستی است- هنرمندان بیش از اینکه به اعتبار هنرشان ارزش ذاتی داشته باشند به عنوان افرادی که مسئولیتی اجتماعی بر گردن داشتند اعتبار می‌یافتند. بر همین اساس استالین نویسندگان را مهندسان روح نامید. (حسینی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۰۳-۳۰۴)؛ بنابراین وظیفه‌ی نویسنده فراهم آوردن تصویری حقیقی و مشخصاً تاریخی از واقعیت در حال تحول انقلابی بیان می‌شود و باید مسأله‌ی پرورش و تعلیم کارگران در پرتو روحیه‌ی سوسیالیستی را در

نظر بگیرد. باید جانب‌دارانه، حزب‌اندیش، خوش‌بینانه و قهرمانی باشد و آینده را تجسم بخشد. (ایگلتون، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳: ۶۸)

## ۲-۲-۱- رئالیسم سوسیالیستی در ایران

توجه به حزب و لزوم وجود آن برای پیشرفت کشور از جمله مواردی است که خداداده در مقاله‌ی خود با عنوان «حکومت ترسو مردم آزار می‌شود» به آن می‌پردازد. او معتقد است وجود احزاب و تقابل میان آنها علاوه بر توازن قدرت به واسطه‌ی سخنانی‌های حزبی و نشر جراید موجب روشنگری افکار عمومی خواهد شد. حزب بدون مخالف مرده‌ی متحرک است و فاقد فواید اجتماعی و ترقی حزب در سایه‌ی حزب مخالف حاصل می‌شود و رقابت‌های حزبی افراد را برای فداکاری و از خودگذشتگی آماده خواهد کرد. (خداداده، ۱۳۲۶: ۱)؛ اکثر نویسندگان و هنرمندان در طی دهه‌های مختلف جذب احزاب مارکسیستی شدند و بر اثر تبلیغات و هیجان سیاسی موجود در جامعه‌ی ایران، آثار این نویسندگان با اقبال بیشتری نیز روبرو شد. از جمله رویکردهای حزب کمونیست ایران و مخصوصاً حزب توده توجه به اهمیت ادبیات و هنر برای القای افکار حزبی بود. فعالیت حزب توده در زمینه‌ی ادبیات داستانی به حدی گسترده بود که در طی هفت سال فعالیت قانونی حزب توده در نشریات وابسته به حزب، ۳۴۹ عنوان داستان تألیفی منتشر شده است که برخی از آنها در یک شماره و برخی دیگر به صورت دنباله‌دار بوده‌اند. (حاجی آقابابایی، محمدی، ۱۴۰۰: ۹۵)

نویسندگان ایرانی که با رمان اجتماعی اهمیت جامعه و مناسبات آن را درک کرده بودند وارد ساحت بینش واقع‌گرایانه شدند. در برخی از این نوع آثار جنبه‌ی ایدئولوژیک بر جنبه‌ی ادبی و هنری اثر غلبه دارد به گونه‌ای که گلشیری معتقد است: «شیوه‌ی معروف به رئالیسم سوسیالیستی در داستان با این همه ضایعات همچنان رواج دارد و به جرأت می‌توان گفت که نحله‌ی داستان نویسی رسمی، دگرگون شده‌ی همان شیوه است و بقیه بیشتر گریته‌برداری از آثار تثبیت شده است.» (گلشیری / ج ۱، ۱۳۸۰: ۴۸۹)؛ او در مورد استقبال و نفوذ این شیوه ادعا می‌کند که در داستان‌نویسی ایران حتی یک اثر نمی‌توان نام برد که رئالیستی باشد و بسیاری از آثار ظاهراً رئالیستی در حقیقت زیر عنوان رئالیسم سوسیالیستی جای دارند. (همان: ۴۹۰)؛ از معروف‌ترین آثار سوسیالیستی در ایران می‌توان رمان «چشمهایش» اثر بزرگ علوی، «همسایه‌ها» از احمد محمود و «شوهر آهو خانوم» از علی محمد افغانی را نام برد. نویسندگان دیگری چون علی‌اشرف درویشیان و محمود دولت‌آبادی و را نیز می‌توان در این حیطه بررسی کرد. تمام آثار مکتبی پیش از آنکه به مرز پختگی و بلوغ برسند نیازمند پیش‌زمینه‌هایی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم چراغ راهشان باشد. بر همین اساس رمان «روز سیاه کارگر» اثر احمدعلی خداداده را با توجه به مؤلفه‌ها و محتوایی که به آن پرداخته است می‌توان به عنوان سرآغاز، پیشرو و تاثیرگذار بر تمام آثار درخشان

رنالیسم سوسیالیستی در ادبیات داستانی ایران معرفی کرد. روز سیاه کارگر که در سال ۱۳۰۶ شمسی در کرمانشاه چاپ شد، اولین رمانی است که به سرگذشت دهقانان، کارگران و طبقه‌ی زحمتکش جامعه‌ی ایران آن روزگار پرداخته و زندگی آنان را تحت سیطره‌ی اربابان و مالکان به تصویر کشیده است. از دیدگاه مکتبی، برخورد نویسنده با محتوا و وقایع، برخوردی واقع‌گرایانه است و از نظرگاه فکری برخورد رنالیستی او با جامعه و طبقه‌ای که بستر داستان در آن شکل گرفته به اندیشه‌ی سوسیالیستی نزدیک است. به این جهت، از حیث زمانی روز سیاه کارگر را باید پدر تمام آثار رنالیسم سوسیالیستی در ادبیات داستانی ایران دانست.

## ۲-۳- درباره‌ی اثر و نویسنده

در مورد «احمدعلی خداداده» نویسنده‌ی رمان «روز سیاه کارگر» اطلاعات اندکی در دست است. او در سال ۱۲۶۱ شمسی در دینور کرمانشاه به دنیا آمد. پدرش از خرده مالکین سرشناس دینور بود. در ابتدای جنبش مشروطه با گروه‌های آزادی‌خواه آشنا شد و به فعالیت پرداخت. عضو حزب اجتماعیون عامیون بود که حزب سوسیال دموکرات دوران مشروطه محسوب می‌شد و زمانی که حزب توده تأسیس شد، عضو و سخنگوی شورای دهقانان و خرده مالکین کرمانشاهان بود و در بنیان‌گذاری کمیته‌ی ایالتی حزب توده‌ی کرمانشاه در سال ۱۳۲۳ دست داشت.

در مورد اعتقادات دینی احمدعلی خداداده نیز می‌توان گفت که مسلمان شیعی مذهب بوده و به اصول آن نیز پایبند بوده است و از عدالت‌محوری این مذهب در راستای اعتقادات سیاسی خود دفاع می‌کرده است. برای تحکیم این ادعا می‌توان به مقاله‌ی او تحت عنوان «آزادی را در اسلام بیابید» اشاره کرد. خداداده در این مقاله درباره‌ی امام حسین (ع) می‌نویسد: «او با خون پاک خود حقیقت اسلام و عدالت اسلام را ثابت فرمود.» (خداداده، ۱۳۲۶: ۱)؛ احمدعلی خداداده سرانجام در سال ۱۳۳۴ بدرود حیات گفت. رمان دو جلدی روز سیاه کارگر که در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه به چاپ رسید مهم‌ترین اثر اوست. این کتاب به‌قدری با تفکرات غالب آن روزگار همسو بود که ترجمه‌ی آن در سال ۱۳۰۹ ش مسکو با عنوان «تقدیر روستایی» به زبان روسی منتشر شد و با اقبال فراوانی روبرو گشت به گونه‌ای که چندین بار دیگر نیز تجدید چاپ شد. (شهری، ۱۳۹۵: ۳۰۷)؛ «گرامی تاریخچه‌ی داریوش» اثر دیگر اوست که به نظم نگاشته شده است. همچنین چنان‌که از ابیات موجود در منظومه‌ی گرامی تاریخچه‌ی داریوش برمی‌آید او کتابی در حوزه‌ی زبان فارسی نیز داشته است:

نماند از من بینوا یادگار

به جز چند تألیف در روزگار

دگر دفتری پارسی سر به سر

یکی روزگار سیه کارگر

(خداداده، ۱۳۰۶: ۱۱)

خداداده در روزنامه‌ی بیستون نیز مقالاتی می‌نوشت. روزنامه‌ی بیستون از آغاز فعالیت خود با افکار و اخبار حزب توده همسو بود، اما از آبان سال ۱۳۲۴ به‌طور رسمی عنوان «ارگان شورای متحده‌ی ایالتی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان غرب» سرلوحه‌ی آن قرار گرفت و اداره‌ی روزنامه به یک هیئت تحریریه که در حقیقت مسئولان اصلی حزب توده در کرمانشاه بودند سپرده شد. (سلطانی، ج ۲، ۱۳۷۸: ۳۹۴)

#### ۲-۳-۱- خلاصه‌ی رمان

رمان روز سیاه کارگر در دو جلد نوشته شده است. داستان حول‌محور شخصیتی به نام بختیار است و راوی جلد اول خود اوست. پدر بختیار که الله‌داد نام دارد به همراه همسر، پسرش بختیار و دخترش شیرین در داستان حضور پررنگی دارد. در جلد اول به شرح مشکلات رعایا و ارتباط آنان با مالک زمین، کدخدا و فرستادگان مالک پرداخته شده و شرح مفصلی از چگونگی به تاراج رفتن دسترنج رعایا توسط ارباب و اطرافیانش بیان شده است سپس نویسنده به شرح سفر خانوادگی بختیار می‌پردازد که برای یافتن کار و موقعیتی مناسب‌تر صورت می‌گیرد ولی باوجود تمام تلاش‌ها باز هم تغییر چندانی در کیفیت زندگی آنها ایجاد نمی‌شود زیرا به هر روستا و دیهی که وارد می‌شوند، ارباب و کدخدای جدید وجود دارد که دسترنج آنان را بر باد دهد. در فصل هفتم جلد اول پدر بختیار در بازگشت از سفر کربلا که با دوران اوج‌گیری مشروطه مصادف است توسط راهزنان کشته می‌شود و بختیار برای یافتن قاتل و محل دفن پدر جهت طرح شکایت نزد حاکم می‌رود، اما راه به جایی نمی‌برد. ازاین‌پس سراسر جلد اول شرح وقایع مربوط به دوران مشروطه است و راوی معتقد است تنها لباس بازیگران عوض شده است. شرح احتکار گندم توسط مالکان و اشراف سودجو، کار در شرکت انگلیسی برای کشیدن جاده‌ها، کار کردن در مشاغل گوناگون و سایر مشکلات و مصائبی که شخصیت اصلی داستان با آن درگیر است ماجراهای انتهایی جلد اول رمان را تشکیل می‌دهد.

جلد دوم داستان توسط دانای کل روایت می‌شود. بختیار که در کودکی نزد یکی از ملایان روستا سواد یاد گرفته است با روزنامه‌های آن دوران آشنا می‌شود و با مطالعه‌ی شرایط و احوال اجتماعی کشور به دلیل هوش و فراستی که دارد می‌تواند اوضاع مملکت را تحلیل کند. در فصل‌های ابتدایی جلد دوم، بختیار که برای یافتن کار مناسب مدام در حال سفر به شهرهایی از همدان و لرستان است سرانجام به کرمانشاه مهاجرت می‌کند. در این مسیر او با فردی فرانسوی آشنا می‌شود که بین بزرگان و دولتمردان نفوذ زیادی دارد. مرد فرانسوی در قبال پرداخت پول از بختیار می‌خواهد که تعرفه‌های شرکت در انتخابات مجلس را بین رعایا پخش کند و اسم نامزد مورد نظر را در برگه‌ها بنویسد. بختیار که در ابتدا

و سوسه شده است، در نهایت از انجام این عمل پشیمان می‌شود و مبالغی را که از او گرفته برمی‌گرداند. پس از رسیدن به کرمانشاه بختیار صاحب فرزند می‌شود و با کمک یکی از معتمدین شهر به کار بزاز می‌مشغول می‌شود. ادامه‌ی جلد دوم به وقایع سال‌های آخر سلسله قاجار می‌پردازد و در نهایت با سقوط قاجاریه، زمزمه‌های روی کار آمدن رضاشاه شنیده می‌شود. بختیار پس از صحبت با بزرگان و اصناف شهر درباره‌ی اوضاع کشور بیان می‌کند که تغییر رژیم در اروپا و استقرار جمهوری چه منفعتی برای مردم داشته است. او در نهایت تصمیم می‌گیرد براساس تجارب و اطلاعات خود نامه‌ای مشتمل بر قوانینی درباره‌ی کارگران و حقوق مربوط به آنان انشاء کرده، به مجلس تحویل دهد و کمکی به آزادی هموعان کند. این نامه که صفحات پایانی جلد دوم را دربرمی‌گیرد درحقیقت، آیین‌نامه‌ای است که نویسنده برای احقاق حقوق کارگران و رنجبران تدوین کرده است و موارد قانونی حقوق آنان را که باید توسط حکومت تازه تأسیس و مجلس نمایندگان تصویب شود، ذکر می‌کند.

### ۳- تحلیل داده‌ها

داده‌های به دست آمده از رمان روز سیاه کارگر در تطبیق با مکتب ادبی رئالیسم سوسیالیستی در چهار عنوان اصلی با نام‌های طرح یا پیرنگ در خدمت رئالیسم سوسیالیستی، محتوای سوسیالیستی، شخصیت‌پردازی و تیپ‌سازی و زمان و مکان بر مبنای رئالیسم سوسیالیستی قابل تحلیل است که در ادامه ذیل عنوان گزاره‌های رئالیسم سوسیالیستی در رمان روز سیاه کارگر به آنها پرداخته خواهد شد.

#### ۳-۱- گزاره‌های رئالیسم سوسیالیستی در رمان روز سیاه کارگر

رمان روز سیاه کارگر در دوره‌ای از سیر ادبیات داستانی ایران نوشته شده است که پیش‌زمینه‌ی رئالیسم با انتشار برخی رمان‌های اجتماعی ایجاد شده بود؛ اما اولین رمانی که در آن تضاد طبقاتی به صورت واضح، نمایان است و بر تمام وقایع داستان سایه افکنده، رمان روز سیاه کارگر است. این اثر در دوره‌ای نگاشته شده است که ایرانیان کمابیش با وقایع شوروی آشنایی یافته‌اند و احزاب کمونیستی اندک‌اندک شروع به فعالیت نموده‌اند، با این حال زوایای پنهان این نوع تفکر سیاسی- اجتماعی هنوز چندان آشکار نگردیده است. این اثر که می‌توان آن را به‌راحتی جزو اولین تجربه‌های رمان‌نویسی در ایران دانست در محتوای داستانی خود از اثری پیروی نمی‌کند و خود طرحی نو درانداخته است. اهمیت مفاهیم و محتوای این اثر را باید به عنوان سرآغاز و چراغ راه در آثاری که سال‌ها پس از آن در پختگی کامل به شیوه رئالیسم سوسیالیستی نگاشته شده‌اند، جستجو کرد. در این پژوهش مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی در چهار ساحت پیرنگ، محتوا، شخصیت‌پردازی و عامل زمان و مکان در رمان روز سیاه کارگر بررسی می‌شود.

#### ۳-۱-۱- طرح یا پیرنگ در خدمت رئالیسم سوسیالیستی

بسیاری از رمان‌نویسان وقتی سخن از داستان به میان می‌آورند، منظورشان در واقع امر، نوع ابتدایی «طرح» است. یعنی روایت حوادث با تأکید بر سببیت. (آلوت، ۱۳۹۳: ۳۴۷)؛ رمان روز سیاه کارگر طرح داستان پیچیدگی چندانی ندارد. گره‌های داستانی خیلی زود باز می‌شوند و تعلیق وجود ندارد. برخی موقعیت‌ها تکراری است، برای مثال؛ شخصیت اصلی داستان چندبار در موقعیت‌های مشابه قرار می‌گیرد و با اندکی تفاوت نتیجه‌ی یکسانی حاصل می‌شود. نویسنده بیشتر از اینکه داستان‌پرداز باشد، راوی است، تمام این‌ها درنهایت به شکل ساده‌ای از داستان‌نویسی منجر می‌شود که در بررسی سیر تکوینی رمان فارسی قابل توجیه است. از منظر تطابق پیرنگ روز سیاه کارگر با آثار رئالیسم سوسیالیستی می‌توان دو الگوی تقابل میان مالک (فتودال) با رعیت و مهاجرت برای یافتن کار و موقعیت بهتر را مشاهده کرد و ملاک قرار داد.

### ۳-۱-۱-۱- تقابل مالک و رعیت (تضاد طبقات اجتماعی)

باقر مؤمنی در کتاب «سیمای روستای ایران» املاک اربابی را اینگونه طبقه‌بندی می‌کند و به توضیح درباره‌ی آن می‌پردازد: «ملک اربابی در سرزمین ایران میان اشخاص، دولت، مذهب و دربار تقسیم شده است. نام یکی «ملک شخصی»، یکی دیگر «خالصه»، دیگری «موقوفه» و آخری «سلطنتی» است و این هر چهار یکسان از دهقان بهره‌کشی می‌کنند و کمترین تفاوتی میان آنان نمی‌توان یافت. در اینجا ارباب، دولت، مذهب و دربار هر چهار بی‌تفاوت فتودالند. سوء تفاهمی که تحت‌عنوان به ظاهر متفاوت املاک عمده‌مالکی و خرده‌مالکی از آن یاد شد از همین املاک اربابی شخصی سرچشمه می‌گیرد، زیرا مالکیت بعضی روستاها یکپارچه نیست و میان چند نفر تقسیم شده است، اما از نظر دهقانان تفاوتی میان این و آن وجود ندارد.» (مؤمنی، ۱۳۵۸: ۵۶)؛ سرتاسر داستان روز سیاه کارگر نیز پر از تقابل میان اربابان (در داستان با عنوان مالک زمین از آن یاد می‌شود) و رعایاست. در تمام موارد، این الگو خروجی مشابه و یکسانی دارد و آن ظلم و برتری ارباب نسبت به رعیت است که در اشکال مختلف از گرفتن مال و پول و مجازات بدنی و حتی نظر به ناموس رعیت ظهور می‌کند. مالک زمین حتی هزینه‌ی تفریح خود را از کشاورزان می‌گیرد. در جایی از داستان کدخدا به پدر بختیار می‌گوید که در غیاب او «یک دفعه پسر امیر نظام، یک دفعه خاله‌اش و یک دفعه داماد و دختر او و چند دفعه منسوبان او از این جعه آمده، به گردش رفته‌اند. در هر دفعه شاطر عبدالله از جلو می‌آمد. به علاوه هرچه مرغ در دهات می‌دید، می‌کشت و پول گاو گردون قبلاً می‌گرفت سور و سات مسافرین یا جنسی یا نقدی از هر ده اخذ می‌نمود و بعدها به دینور رفته مهمان خوانین آنجا می‌شد...» (خداداده، ۱۳۹۵: ۹۳)

اگر حضور این تقابل را از پیرنگ داستان حذف کنیم، شالوده‌ی آن به هم خواهد خورد. گزارش این رویارویی در داستان و تکرار آن، طبقه‌ی افراد داستان را مشخص می‌کند که خود یکی از عناصر مهم در

شکل‌گیری رئالیسم سوسیالیستی است. اختیارات مالکان به حدی است که حتی افراد وابسته به آنان اعم از درویش، کدخدا، روحانیون، فرستادگان، کاردنان و... نیز به سودجویی از رعایا می‌پردازند. برای جلوگیری از بهانه‌جویی ارباب، در برخی موارد بدون اینکه طلبی در کار باشد، رعایا طبق عادت بخش اعظمی از حاصل دسترنج خود را در خدمت فرستادگان ارباب قرار می‌دهند و یا به عنوان پیشکش به آنها تقدیم می‌نمایند: «از طرف مالک آمد. تمام اهل ده به استقبال رفتند؛ بعضی تعارف گذراندند. شب پدرم گفت: خیال دارم بزغال یا نیم من روغن پیشکش برای فرستاده مالک ببرم.» (همان: ۷۴)؛ چنان‌که از این سطور برمی‌آید خدمت به مالک و فرستاده‌ی او علاوه بر سهم کلانی که مالک از دسترنج رعایا و دهقانان می‌برد، به شکل نوعی ارزش و هنجار درآمده است و رعایا بنابر عادت و وظیفه‌ای که شکل عرفی پیدا کرده است فرستاده‌ی مالک را به پیشکش‌های خود بدرقه می‌کنند.

### ۳-۱-۱-۲- مهاجرت برای یافتن کار

بیشتر ذکر شد که فرقه‌ی عدالت اولین فرقه‌ی کمونیستی ایران بود که در باکو تشکیل شد و اعضای آن را کارگران مهاجر ایرانی تشکیل می‌دادند. مهاجرت برای یافتن کار از جمله معضلاتی بود که از اواخر سلطنت قاجار گریبانگیر کشاورزان و دهقانان شد. پدر بختیار و خود او در سرتاسر داستان همواره برای یافتن کار و فرار از ظلم ارباب در حال کوچ از روستایی به روستایی و از شهری به شهری هستند و حوادث و اتفاقات داستان اغلب در این کوچیدن‌ها شکل می‌گیرد و رخ می‌دهد. مسأله‌ی مهاجرت، برای کشاورزان و رعایا با تحمل رنج فراوان همراه بود ولی گاه موجب افزایش آگاهی و بینش آنان نسبت به اوضاع اجتماعی می‌شد و زمینه‌های تفکر آنان در مورد تبعیض‌ها و علل آن را فراهم می‌کرد. رمان روز سیاه کارگر که آن را نخستین داستان اقلیمی روستایی دانسته‌اند. (صادقی شهر، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ در فضای اقلیمی روستایان گُرد کرمانشاه شکل گرفته است و جغرافیای روایی و بستر حوادث آن با در نظر گرفتن مقاصد کوچ از اقلیم روستایی کردنشین فراتر نمی‌رود. ناکامی در تعویض مداوم مکان‌ها و روستاها و کسب تجربه در اثر سفر و دیدار با انسان‌های مختلف، آشنایی با فرقه‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی، کارگر مستعد و دانا را به فکر فرو می‌برد. آن‌گونه که بختیار، شخصیت اصلی داستان با مشاهده‌ی بدبختی در خیالات خود دنبال ریشه‌های این عقب‌ماندگی می‌گردد.

در رمان روز سیاه کارگر در مواقعی شاهد کوچ کردن رعایایی هستیم که درحقیقت نه مهاجرت بلکه از دست ظلم ارباب فرار کرده‌اند. کربلایی حسن یکی از شخصیت‌های فرعی داستان است که با الله‌داد، پدر بختیار درددل می‌کند و می‌گوید چند سال است که در این قریه ساکن است ولی اوضاع زندگانی‌اش روزبه‌روز بدتر می‌شود تا اینکه مدتی بعد مجبور به فرار می‌گردد: «کدخدا گفت کربلایی حسن کوچ نموده، فرار کرده. هزاروپانصد نفر به سمتی بروید او را دستگیر نمایید. والله بخواهید اهمال نماید فردا

خبر به خان می‌رسد، پدر همه می‌سوزاند و دارایی‌مان آتش می‌زند... بیچاره کربلایی حسن دست از دارایی خود کشیده، از ترس جان خود، با عیال و اطفالش در جوف علف‌ها و گودی‌ها پنهان می‌شوند. علاقه‌ی او که مشتمل بر دو گاو نر و دو رأس گاو ماده و چهار پنج رأس بز و میش و یک رأس درازگوش و کره‌الاغ تعدادی جل‌وپلاس اسباب بیتیه بود، به التمام آورده تسلیم کدخدا نمودند. کدخدا خبر به خان داد. آدم مشارالیه آمد؛ تمام را تحویل گرفت برد.» (خداداده، ۱۳۹۵: ۸۲)؛ چنانکه مشاهده می‌شود کربلایی حسن نه تنها به قریه بازگردانده شد بلکه جل‌وپلاس و احشام او را نیز نماینده‌ی خان به عنوان مجازات و مؤاخذه از او ستاند. در ادامه‌ی ماجرای کربلایی حسن، بختیار که راوی داستان است چنین می‌گوید: «وقوع حادثه‌ی کربلایی حسن در میان تمام رعایای خان اثر فوق‌العاده نموده و بر همه مدلل شد که حاکم وقت هم از اوامر خان تجاوز نمی‌نماید. و پدرم که خود خیال فرار داشت، زیاده‌تر از همه جویای همه‌ی اقدامات کربلایی حسن بود. تمام سرگذشت او به‌خوبی فهمید خاطر آسوده مشغول کار خود شد.» (همان: ۸۳)؛ اما در نهایت الله‌داد نیز هنگام گذر موکب امیرنظام از ده، اوضاع را شلوغ می‌یابد و موفق می‌شود از قریه خارج شود؛ «شبانۀ جل‌وپلاس برداشته، فرار نموده به موکب امیرنظام پیوسته و دیگر کسی ما را دنبال ننمود. و از آنجا هم صبح زود جلوی اردو افتاده، روانه‌ی چم‌چال شدیم...» (همان: ۸۷)؛ مسأله‌ی مورد توجه این است که الله داد که موفق به خروج از قریه شده و به دهی دیگر وارد شده است در آنجا هم باید با کدخدا بر سر شرایط اسکان توافق نماید. نویسنده درحقیقت می‌خواهد نشان بدهد که رعایا حتی در صورت امکان مهاجرت نیز رعیت باقی می‌مانند و اگر بخت یارشان باشد از چنگ اربابی به دامن اربابی دیگر می‌افتند و آنچه در این کوچ‌کردن‌ها سود محسوب می‌شود احتمال ظلم کمتر از طرف ارباب جدید است.

### ۳-۱-۲- محتوای سوسیالیستی

پیرنگ هر داستانی بیانگر نحوه‌ی زنجیره‌ی توالی حوادث و اتفاقات داستان است. این مجموعه وقایع با رابطه‌ی علت و معلولی به هم پیوند خورده و با الگو و نقشه‌ای مرتب شده است. (میرصادقی، ۱۳۸۰، ۶۴)؛ حال آنکه محتوا به مفاهیم و موضوعات در گستره‌ای وسیع‌تر و بدون در نظر گرفتن حق تقدم و تاخر آن می‌پردازد. محتوای قالب هر اثر بنا به شرایط گوناگون می‌تواند متفاوت باشد. توجه به رئالیسم سوسیالیستی با رمان روز سیاه کارگر احمدعلی خداداده آغاز شد و در نزد سایر نویسندگان ادوار بعدی کرمانشاه مانند محمدعلی افغانی، منصور یاقوتی و علی اشرف درویشیان ادامه پیدا کرد. بر همین اساس می‌توان گفت بسته به شرایط تاریخی و جغرافیایی زمینه‌ی بسط و گسترش محتوای سوسیالیستی در کرمانشاه بیشتر از سایر شهرهای ایران فراهم بوده است. (شیری، ۱۳۹۴: ۲۹۸)؛ در محتوای آثار رئالیسم سوسیالیستی خصوصت‌های اجتماعی، اضمحلال عواطف انسانی، خرافه و تقابل آن با علم، فقر فرهنگی و

علمی، فقر و بی‌عدالتی، حضور استعمارگران سرمایه‌دار، تشویق کارگران و زحمتکشان به اتحاد، لزوم قانون، تاکید بر توانایی کارگران و قدرت توده، دعوت به انقلاب و مواردی از این قبیل به چشم می‌خورد. در رمان روز سیاه کارگر نیز برخی از این موارد محتوای کلی اثر را تشکیل داده‌اند که به بررسی چند مورد از آنها پرداخته خواهد شد.

### ۳-۱-۲-۱- فقر و بی‌عدالتی

در جامعه‌ی سوسیالیستی اقتصاد بر پایه‌ی مالکیت اجتماعی بر وسایل اساسی تولید پایه‌گذاری می‌شود، یعنی به‌جای سرمایه‌داران خود زحمتکشان صاحب و مالک کارخانه‌ها و معادن و زمین‌ها و وسایل حمل و نقل و... هستند. (ناظمی، ۱۳۸۷: ۱۳۶)؛ در شرایطی که زمین و امکانات مربوط به ابزار در اختیار عده‌ای اندک باشد، ظلم و زورگویی برپایه‌ی بی‌عدالتی و بی‌قانونی پدیدار خواهد گشت. در بخشی از داستان به این موضوع این‌گونه اشاره می‌شود: «اگر شما را قانون و ترس قانون می‌بود، در معاملات و گفتن دروغ و فریب مردم محدود می‌شدید... افسوس که ملل خارجه، جزئیات رفتار مملکت خود را معین و محدود ساخته‌اند ولی ماها هنوز قواعد کلیات مشی ملی را در نظر نمی‌آوریم.» (خداداده، ۱۳۹۵: ۲۹۶)؛ در جامعه‌ای که روز سیاه کارگر از شرایط ایران ترسیم کرده است اگر قانونی هم وجود داشته باشد به نفع سرمایه‌دار و مالک عمل خواهد کرد. به‌ویژه در حکومتی چون قاجار که در روند پلکانی مالکیت، در نهایت یگانه مالک تمام مملکت شاه محسوب می‌شود، عدالت و قانون همان چیزی است که او و زیر دستان او انجام می‌دهند. در جایی از داستان دو مأمور نظامی چهارپایان را برای فرستادن به قشون جمع‌آوری می‌کنند. در این بین گفتگویی میان اشخاص با نظامیان درمی‌گیرد که کاملاً بیانگر این نکته است: «جلودار گفته بود در اصل قانون اساسی مملکت می‌گوید: مالک بر ملک خود تسلط دارد. اگرچه این ماده را موافق دلخواه خود دیده و برعکس معنی او را برای ادامه‌ی قدرت خود بر جان و مال رعایا، می‌نمایند. مثل رؤسای عدلیه... ولیکن معنی صریح و مورد استعمال او آنکه هر فردی در ایران دارای هرچه هست، آن شیء ملک او و خود مالک آن است... نظامی گفت: حال که از قانون اطلاع داری، آیا نه اینکه حافظ و مجری قانون شاه است و شاه هم به تصویب مجلس لشکرکشی می‌نماید؟ جز این هم قانون است و بی‌قانونی نشده.» (همان: ۲۵۳)؛ در آثار رئالیسم سوسیالیستی فقر و بی‌عدالتی با یکدیگر همبستگی کامل دارند.

تضییع حقوق رعیت و عدم رسیدگی به درخواست آنان در عدلیه در جای‌جای داستان مطرح است. اگر رسیدگی به درخواست شاکی صورت بگیرد منوط به پرداخت رشوه از طرف اوست. رشوه‌گیری و پیش بردن اهداف از طریق پرداخت زیرمیزی، رشوه و باج‌دهی گویا به حدی در امور اداری ایران رایج بوده است که خداداده در مقاله‌ای که در روزنامه‌ی بیستون از او چاپ شده است در مورد نفوذ مالکان و

پیشبرد اهدافشان در مقابله با مصوبه‌ای که در ارتباط با تعیین حقوق رعایا از محصولات زمین اربابی صورت گرفته بود، می‌گوید: «تا رشوه در ایران است ظالم در نمی‌ماند.» (خداداده، ۱۳۲۶: ۱)؛ بختیار در جایی از داستان درباره‌ی بی‌عدالتی و بی‌قانونی این گونه می‌گوید: «... به حمدالله عدلیه‌ی ما هم همین عدالت را دارد و قانون را برحسب میل خود جاری می‌نمایند. از اسم عدالت و قانون ایرانیان را بی‌نیاز کرده بلکه به وحشت انداخته‌اند. فرسنگ‌ها گریزان و راضی به حکومت و قضاوت هر نادان و مستبدان. (همان: ۲۵)

### ۳-۲-۱-۲- تقابل علم با جهل و خرافه

در باور سوسیالیست‌ها، متافیزیک که بیشترین نمود آن در مسائل مربوط به باورهای مذهبی روی می‌دهد ابزار طبقه‌ی حاکم برای تحمیل طبقه‌ی محکوم است. طبقه‌ی فتودال برای پیشگیری از خروش رعیت و طبقه‌ی بورژوا (Bourgeois) برای ممانعت از انقلاب کارگران ضرورت ایجاد عامل فرهنگی برای تثبیت وضع موجود را ناگزیر دانستند و آن عامل عبارت بود از دین و مذهب (فرزام و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷۴)؛ با این حال خداداده که خود فردی باورمند به دین اسلام و مذهب شیعه است؛ نه با اصول دین بلکه با خرافات ناشی از آن به مقابله برمی‌خیزد و جهل و خرافه‌پرستی را یکی از عوامل سوءاستفاده از رعیت و علت عقب‌ماندگی می‌داند. وقتی بختیار به همراه پدرش عازم سفر کربلا است به چاهی معروف به «چاه مریم» اشاره می‌کند که می‌گویند شیر پستان حضرت مریم میان چاه ریخته است و هر که بر آن چاه نظر کند از آتش جهنم در امان خواهد بود. وقتی پدر بختیار سر خود را درون چاه فرو می‌برد، مردی اعرابی گردن او را می‌گیرد و می‌گوید در صورت پرداخت نکردن پول او را درون چاه پرتاب خواهد کرد! (خداداده، ۱۳۹۵: ۱۳۴)

آنچه خداداده برای گریز از جهل و خرافات پیشنهاد می‌کند، توجه به علم است. توجه به علم و دستاوردهای آن یکی از اساسی‌ترین اصول مکتب رئالیسم است که در رئالیسم سوسیالیستی نیز به آن توجه فراوانی شده است. در رمان روز سیاه کارگر تقابل میان علم و جهل در مورد حادث شدن بیماری‌ها نقش پررنگ‌تری دارد. وقتی زهرا، همسر بختیار پس از زایمان، دچار ضعف و بیماری شدید می‌شود، پیرزنی که به عنوان قابله کنار او وجود دارد این بیماری را نتیجه‌ی «آل» (زنی از طایفه اجنه) می‌داند و دیگران انواع ادعیه و اوراد را برای دوری پلیدی تجویز می‌کنند در این میان طبیبی از راه می‌رسد و پس از تزریق آمپول و تجویز دارو حال زهرا بهبود می‌یابد. (همان: ۲۴۴)

### ۳-۲-۱-۳- تأکید بر توانایی کارگران و احقاق حقوق آنان

بختیار، شخصیت اصلی داستان که تمام قضایا حول محور اوست، درباره‌ی توانایی کارگران حتی در اداره‌ی کشور به مردی فرانسوی که قصد تقلب در انتخابات مجلس را داشت و ادعا می‌کرد فرد لایقی

برای نامزدی مجلس وجود ندارد، می‌گوید نمایندگان مجلس نباید از میان فلان‌الدوله‌ها و اشراف باشند بلکه باید از بین کارگران و رنجبران انتخاب شوند و امورات مملکت را باید به آنها سپرد؛ «همین طبقه‌ی رنجبر و کارگر را که شما ملاحظه می‌نمایید و به قولی ادراک آنها را ریشخند می‌کنید، به واسطه‌ی بیگانگی از کار و شغل است. هرگاه از باسوادهای این گروه مصدر امور مملکتی گردند و شغل اداره‌ی امور ملت را به کف بگیرند، ملاحظه خواهید فرمود در هر هیکلی چه وجودی پنهان و در هر کله‌ای چه خرد و هوشی خوابیده. چه کارها که از وجود همین بی‌وجودان ظهور می‌نماید و چگونه وسیله‌ی ترقی و تعالی ملک و ملت را فراهم می‌آورند.» (خداداده، ۱۳۹۵: ۲۳۷)؛ در ادامه نیز به انقلاب فرانسه اشاره می‌کند که به دست همین افراد، یعنی کارگران اتفاق افتاد و منظور او انقلاب سال ۱۷۸۹ م علیه فئودال‌ها است: «ماها این گونه اشخاص را باید وکیل نماییم که مایه‌ی امیدواری باشند. مگر سرکار انقلاب فرانسه را نخوانده‌اید؟ تا کار به دست این طبقه نیفتاد فرانسه روی راحتی و استقلال را ندید.» (همان: ۲۳۸)

بیشترین و مهم‌ترین توجه نویسنده به کارگران و ارائه‌ی تحلیلی مناسب از انواع کارگران و حقوق قانونی آنها در بخش پایانی جلد دوم صورت می‌گیرد. گویا تمام ماجراهای داستان بهانه و پیش‌زمینه‌ای بوده تا در نهایت بیان این سخنان میسر گردد. اهمیت این بخش از داستان در توجه به چهارچوب زمانی سال نگارش و انتشار کتاب مشخص می‌شود. نویسنده، طبقه‌ی موردنظر خود را در سه فرقه‌ی رنجبر، کارگر و کارگر رنجبر دسته‌بندی می‌کند و تفاوت آنها را این گونه بیان می‌دارد: «رنجبر طایفه‌ای هستند چون زارعین و چوپان و گاوچران و عشایر صحراگرد و باغبانان گاریچی‌ها و چاروادارها که با رنج فراوان امرار معاش می‌کنند... کارگر اشخاصی هستند که به میل و اراده‌ی خود کار می‌نمایند و از کار خود استفاده‌ی معاش نموده... کارگر رنجبر گروهی هستند که اجیر و مزدور سایرین می‌شوند و مجبور، بلکه محکومند که به فرمایش موجر خود اطاعت نموده شب و روز آسایش بر خود حرام سازد و تا جان دارد بکوشد تا نانی به کف آرد. هرگاه روزی بیکار بماند نان ندارد مانند فعله‌ی معادن و کارگران دهقان و بناها و...» (همان: ۲۹۳) سپس بختیار نامه‌ای به مجلس می‌نویسد و در آن حقوق هر سه فرقه‌ی کارگران را ذکر می‌کند که باید رعایت شود. این نامه دارای ۲۳ ماده است که تمام آنها در مورد حقوق کارگران و رنجبران و باید‌هایی است که رعایت آن را تذکر می‌دهد و تبیین می‌کند و تماماً منطبق با عقاید کمونیستی و سوسیالیستی آن دوران است. می‌توان این مواد را از لحاظ دقت و جامعیت، اولین یا جزو اولین آیین‌نامه‌های حقوق کارگران در ایران دانست؛ برخی مواد این نامه به این شرح است: «کارگرانی که به میل و اراده از زور بازوی خود و از صنعت خود اعاشه می‌نمایند، از هرگونه مالیات دولتی معاف می‌باشند، در موقع ناخوشی دکترهای بلدی و نظامی مجاناً به مرض آنها رسیدگی نمایند، هیچ مالکی نمی‌تواند در موقع خلاف، شخصاً رعیت را مجازات نماید، کارگر رنجبر و یا بدبخت‌ترین نوع بشر از

مالیات دولت معاف است، در مورد شکایات و محاکمات حقوقی سه روز بیشتر نباید معطل شوند و...» (همان: ۲۹۵)

### ۳-۱-۳- شخصیت‌پردازی و تیپ‌سازی

در آثار رئالیستی به‌ویژه در آثار رئالیسم سوسیالیستی، شکل‌گیری شخصیت داستانی آمیزه‌ای است از تجربه‌های به‌دست آمده از جامعه‌ی واقعی نویسنده، یعنی نویسنده سوسیالیست ایدئولوژی، عقیده و رفتارهایی که دلخواه خود اوست در ذهن و کالبد شخصیت داستانش متصور می‌شود و آن را با تجربه‌های خود از زندگی اجتماعی و برخوردی که با انسان‌های مختلف داشته است، پیوند می‌دهد. شخصیت‌های یک اثر داستانی در طول اثر و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون ممکن است تغییر یابند اما در آثار رئالیسم سوسیالیستی، شخصیت داستان عموماً رفتار یکسانی دارد و در انتها نیز چندان دچار دگرگونی نمی‌شود. در این صورت است که داستان‌نویس شخصیت داستانی خود را به یک «تیپ» تبدیل می‌کند و بر انجام این امر آگاهی و اصرار دارد. تیپ در سرتاسر داستان نماینده‌ی طبقه‌ای است که به آن تعلق دارد. یک تیپ تا حدی قبلاً در اجتماع به صورت آماده وجود دارد ولی انتخاب قصه‌نویس از این تیپ‌ها بستگی به نحوه‌ی تفکر و ادراک خود قصه‌نویس دارد. هر تیپی موقعی که وارد قصه می‌شود با خود وسواس‌ها، احساس‌ها و اندیشه‌های طبقه‌ی خود را به همراه می‌آورد. (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۹)؛ در رئالیسم سوسیالیستی قهرمان در اکثر موارد از طبقه‌ی فرودست انتخاب می‌شود، چنان‌که در روز سیاه کارگر نیز شخصیت قهرمان داستان کاملاً نماینده‌ی طبقه‌ای است که به آن تعلق دارد.

نویسنده به روحیات فردی اشخاص داستان چندان توجهی ندارد و شخصیت آنان در جامعه‌ی روستایی داستان بر اساس کنش‌ها و واکنش‌هایی که شکل فیزیکی و بیرونی دارد، تکوین می‌یابد. الله‌داد نماینده‌ی طیف رعیت عصر خود و بختیار نماینده‌ی نسل جدیدی است که علاوه بر مصائب رعیت‌زادگی، مشکلات عصر جدید پس از مشروطه را نیز بر دوش می‌کشد و به جز کشاورزی در روستاها به کارگری در شهرها و مکان‌های مختلف نیز می‌پردازد. در اواخر جلد دوم او با اینکه می‌خواهد به شغل‌های دولتی روی بیاورد باز هم بستر مناسبی برای پیشرفت خودش نمی‌یابد، گویا رعیت‌زاده همواره باید رعیت‌زاده بماند.

زنان داستان جزو شخصیت‌های فرعی هستند و حضور پررنگی ندارند، اما نویسنده می‌خواهد نشان بدهد که مشکلات طبقه‌ی کارگر تنها به خود آنان ختم نمی‌شود بلکه دامن خانواده‌ی آنان را نیز می‌گیرد. در روز سیاه کارگر زن روستایی به عنوان زنی پاکیزه و زحمتکش تصویر می‌شود (برخلاف تصویر زنان شهری در رمان‌های اجتماعی اولیه). در این داستان زنان به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول زنان ایل که وابستگی به زمین ندارند، برای کسب معاش پابه‌پای مردان تلاش می‌کنند و چون به زمین

وابستگی ندارند به راحتی کوچ می‌کنند؛ مانند مادر و خواهر راوی. گروه دوم زنان، خود دهقانانی هستند که زمین ندارند و هر جا کاری باشد برای انجام آن آماده‌اند. تفاوت این دو گروه در استقلال آنان در شرایط خاص است به ویژه زمانی که همسر خود را از دست می‌دهند؛ مانند زهرا همسر بختیار و مادرش که برای امرار معاش حتی در شرکت راهسازی انگلیسی مشغول به کار می‌شوند. گروه سوم نیز زنان خانه‌دار شهری که کارهای خانه را انجام می‌دهند. (دوستی مقدم، ۱۴۰۲: ۵۱۱)

### ۳-۱-۴- زمان و مکان در روز سیاه کارگر براساس رئالیسم سوسیالیستی

منظور از زمان و مکان در این بخش، کارکردها و یا ارتباطات زمانی و مکانی در روایت داستان نیست بلکه هدف شکل ساده‌ای از بیانگر بودن مابه‌ازای بیرونی است که بتوان برای آن مصادیقی از دنیای واقعی پیدا کرد. در رئالیسم سوسیالیستی، داستان بازتابی از واقعیت است. در اغلب آثار مشهور این شیوه حتی گذر زمان بازتابی از شیوه‌ی خطی دنیای بیرون و وقایع حقیقی است، مانند سیر خطی زمان در رمان روز سیاه کارگر که گذر زمان ساعت‌وار است. داستان از کودکی بختیار شروع می‌شود و پیش می‌رود و هیچ جهش زمانی به عقب یا به جلو وجود ندارد. از آنجا که در رئالیسم سوسیالیستی ذهنیات فرد سوژه‌ی داستان نیست، زمان خیالی در اثر کاربرد نمی‌یابد و گذر زمان بر اساس ترتیب و توالی حوادث اتفاق می‌افتد. از این منظر روز سیاه کارگر کاملاً از الگوی موردنظر پیروی کرده است.

می‌توان آثار سوسیالیستی را با زمان و مکان‌های دنیای حقیقی نیز تطبیق داد، متنها معاصریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل است که در رمان روز سیاه کارگر فاصله‌ی زمانی زیادی میان زمان داستان و زمان واقعی وجود ندارد و زمان داستان با برخی اشارات اجتماعی و سیاسی دنیای بیرون معنا می‌یابد و مشخص می‌شود. مثلاً در صفحات آغازین با اشاره به مرگ ناصرالدین شاه (خداداده، ۱۳۹۵: ۸۷)؛ مبدأ زمانی داستان مشخص می‌شود. در ادامه به چاپ روزنامه‌ی حبل‌المتین و صور اسرافیل (همان: ۱۴۴) اشاره می‌شود. همچنین به محمدعلی شاه و وقایع مشروطه (همان: ۱۵۰)، جنگ جهانی اول (همان: ۱۶۰) روی کار آمدن رضاخان (همان: ۲۹۲)؛ وزیرالوزرای قوام‌السلطنه (همان: ۲۶۶)؛ و مواردی از این قبیل اشاره شده است که آگاهی مخاطب را از زمان وقوع داستان دقیق می‌کند. اماکن، شهرها و روستاها نیز کاملاً حقیقی و واقعی هستند حتی توصیفی که از وضعیت آنها می‌شود منطبق با منطقه‌ی زیست نویسندگان و تجربه‌های شخصی و سیاسی اوست؛ به حدی که در داستان بیانیه سیدضیاء عیناً آورده می‌شود (همان: ۲۱۷)؛ و نویسندگان از زبان اشخاص داستان به تحلیل آن براساس میزان رعایت حقوق کارگران می‌پردازد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

پس از ظهور اندیشه‌ی کمونیستی در ایران که در آغاز مورد توجه روشنفکران و نویسندگان قرار گرفت، نوعی از واقع‌گرایی انقلابی براساس آگاهی طبقاتی شکل گرفت که در پی احیای حقوق ازدست‌رفته‌ی طبقه‌ی کارگر و رنجبران جامعه بود. رئالیسم سوسیالیستی شیوه‌ای در خدمت ایدئولوژی بود و به ابزاری برای حزبی‌نویسی و بیان عقاید انقلابی تبدیل شد. شکل منظم و منسجم‌تر این شیوه‌ی ادبی پس از ایجاد حزب توده در ایران ایجاد شد و در خدمت آرمان‌های حزب قرار گرفت، اما زمینه‌های آفرینش آن را در سال‌های پیش از تشکیل حزب توده نیز می‌توان مشاهده کرد. احتمالاً اولین اثر داستانی در ایران که در آن به مسائل و مشکلات طبقه‌ی کارگر، رعایا و دهقانان پرداخته شده است، رمان روز سیاه کارگر اثر احمدعلی خداداده دینوری است. این اثر در شیوه‌ها و تکنیک‌های داستان‌نویسی شکلی ساده و ابتدایی دارد ولی در محتوایی که آفریده است، پیشرو محسوب می‌شود. در این رمان ستم به فرودستان و رعایا، ظلم اربابان، بی‌عدالتی‌های ناشی از ضعف قانون، تضاد طبقاتی، بی‌سوادی و عدم آگاهی توده، محرومیت طبقه‌ی زحمتکش و مواردی از این قبیل پرداخته شده است. رمان روز سیاه کارگر در قیاس با آثاری که در سال‌های بعد در پختگی کامل نوشته شده‌اند، از لحاظ اصول داستان‌نویسی و زیرلایه‌های تحلیلی نسبت به مسائل اجتماعی در رتبه‌ی پایین‌تری قرار می‌گیرد، اما از لحاظ نگاه چپ‌گرایانه و سوسیالیستی به جامعه و حکومت و همچنین از نظر روحیه‌ی انتقادی نسبت به مناسبات اجتماعی و بی‌عدالتی‌ها به عنوان پیشرو مکتب رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات ایران قابل اهمیت است و می‌توان تاثیر آن را در نویسندگان ادوار بعدی مانند بزرگ علوی، علی اشرف درویشیان، منصور یاقوتی، احمد محمود، علی محمد افغانی و محمود دولت آبادی مشاهده کرد. از طرف دیگر، انتقاد از جهل و خرافه، سنت و باورهای عامیانه، ضعف فرهنگی و مواردی مشابه از این دست، لزوم بازیابی و اصلاح فرد و جامعه را از دیدگاه خداداده نمایان می‌کند. بنابراین رمان روز سیاه کارگر آینه‌ای است هم در برابر حکمرانان هم برای خود کارگر که نتیجه‌ی آن بیداری و مبارزه برای دستیابی به جامعه‌ای برابر است.

#### منابع

- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۹۲)، «دو انقلاب»، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ ۲۱، نی: تهران.
- آشوری، داریوش و نادر افشار نادری، (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ی کتاب آرمانشهر (یوتوپیا)»، چاپ سوم، خوارزمی: تهران.
- آلوت، میریام، (۱۳۹۳)، «رمان به روایت رمان‌نویسان»، چاپ سوم، مرکز: تهران.

- احمدی، بابک، (۱۳۹۱)، «واژه‌نامه‌ی فلسفی مارکس»، چاپ پنجم، مرکز: تهران.
- انگلس، فریدریش، (۱۳۸۳)، «تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم»، مترجم نامشخص، نشر کارگری سوسیالیستی (نسخه‌ی پی دی اف).
- ایگلتون، تری، (۱۳۹۳)، «مارکسیسم و نقد ادبی»، ترجمه‌ی اکبر معصوم بیگی، چاپ سوم، بو تیمار: مشهد.
- بالایی، کریستف، (۱۳۷۷)، «پیدایش رمان فارسی»، مترجم مهوش قدیمی و نسرین خطاط، چاپ اول، انتشارات معین: تهران.
- براهنی، رضا، (۱۳۶۸)، «قصه‌نویسی»، چاپ چهارم، البرز: تهران.
- پیشه‌وری، جعفر، (۱۳۵۹)، «تاریخچه‌ی حزب عدالت»، چاپ اول، علم: تهران.
- حاجی آقابابایی، محمدرضا و غزاله محمدی، (۱۴۰۰)، «بررسی گونه و محتوای داستان‌های رئالیسم سوسیالیستی در نشریات حزب توده»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۱، شماره‌ی ۲، صص ۱۲۹-۱۵۵.
- حاجی‌زاده، محمد، (۱۳۸۴)، «فرهنگ تفسیری اسم‌ها»، چاپ اول، جامه‌دران: تهران.
- خداداده، احمدعلی، (۱۳۹۵)، «روز سیاه کارگر»، به همت ناصر مهاجر و اسد سیف، چاپ اول، نشر نقطه: تهران.
- -----، (۱۳۰۶)، «گرامی تاریخچه داریوش»، چاپ اول، کرمانشاه: نشر شرافت احمدی.
- -----، (۱۳۲۶)، «ما و دهقانان ایران»، روزنامه‌ی بیستون، شماره‌ی ۵۴، خرداد ماه.
- -----، (۱۳۲۶)، «آزادی را در اسلام بیابید»، روزنامه‌ی بیستون، شماره‌ی ۶۳، تیرماه.
- -----، (۱۳۲۶)، «رقم رمق می‌خواهد»، روزنامه‌ی بیستون، شماره‌ی ۷۰، تیرماه.
- -----، (۱۳۲۶)، «حکومت ترسو مردم آزار می‌شود»، روزنامه‌ی بیستون، شماره‌ی ۸۵، تیرماه.
- خسروپناه، محمدحسین، (۱۳۸۹)، «سرآغاز رئالیسم سوسیالیستی در ایران»، فصلنامه‌ی زنده‌رود، شماره‌ی ۵۲، پاییز و زمستان.
- خسروپناه، محمدحسین و الیور باست، (۱۳۹۲)، «فرقه‌ی عدالت ایران از جنوب قفقاز تا شمال خراسان»، چاپ دوم، پردیس دانش: تهران. صص ۱۳۶-۱۴۶.

- دوستی‌مقدم، گلپری، (۱۴۰۲)، «بررسی شخصیت‌های کتاب روز سیاه کارگر»، فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال پنجم، شمار، ۵۷، پاییز، صص ۴۹۵-۵۲۵.
- ذبیح، سپهر، (۱۳۸۴)، «تاریخ جنبش کمونیستی در ایران»، جلد ۱، ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ اول، موسسه مطبوعاتی عطایی: تهران.
- سلطانی، علی، (۱۳۷۸)، «احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه از فراموش‌خانه تا خانه‌ی سیاه»، جلد ۲، چاپ اول، سها: تهران.
- سیدحسینی، رضا، (۱۳۸۵)، «مکتب‌های ادبی»، جلد ۱، چاپ چهاردهم، نگاه: تهران.
- شهری، الف، (۱۳۹۵)، «پیش‌گفتار چاپ روسی روز سیاه کارگر»، ترجمه‌ی سروش حبیبی، نشر نقطه: روسیه.
- شیر، قهرمان، (۱۳۹۴)، «مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران»، چاپ دوم، چشمه: تهران.
- صادقی‌شهر، رضا، (۱۳۸۹)، «نخستین رمان اقلیمی در داستان‌نویسی معاصر ایران»، کتاب ماه ادبیات، شماره‌ی ۴۰، صص ۳۵-۳۹.
- علی، طارق، (۱۳۹۶)، «عشق لنین به ادبیات انقلاب روسیه را شکل داد»، ترجمه‌ی علی امیری، ترجمان، شماره‌ی چهارم، صص ۱۵۷-۱۶۱.
- فخرایی، ابراهیم، (۱۳۷۶)، «سردار جنگل، چاپ سیزدهم»، انتشارات جاویدان: تهران.
- فرزاد، الهام و دیگران، (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی مختصات مکتب رئالیسم سوسیالیستی در رمان‌های روسی و فارسی»، مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، سال اول، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۵۷-۱۸۱.
- فیرحی، داود، (۱۳۹۶)، «فقه و حکمرانی حزبی»، چاپ دوم، نشر نی: تهران.
- گرانت، دیمیان، (۱۳۹۵)، «رئالیسم»، ترجمه‌ی حسن افشار، چاپ هفتم، مرکز: تهران.
- گلشیری، هوشنگ، (۱۳۸۰)، «باغ در باغ»، جلد ۱، چاپ دوم، نیلوفر: تهران.
- ملکی، خلیل، (۱۳۵۷)، «تاریخ سوسیالیسم»، چاپ دوم، فردوسی: تهران.
- مؤمنی، باقر، (۱۳۵۸)، «سیمای روستای ایران»، چاپ اول، نشر پیوند: تهران.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۰)، «عناصر داستان»، چاپ چهارم، سخن: تهران.
- میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۰)، «صد سال داستان‌نویسی در ایران»، جلد ۱، چاپ دوم، چشمه: تهران.

- ناظمی، هوشنگ، (امیر نیک‌آیین)، (۱۳۸۷)، «واژه‌نامه‌ی سیاسی و اجتماعی»، چاپ دوم، انتشارات حزب توده‌ی ایران: تهران.
- نامشخص (۱۳۶۰)، «اسناد و دیدگاه‌ها» ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷»، چاپ اول، انتشارات حزب توده (نسخه‌ی پی دی اف).

## References

- Abrahamian, Ervand. (2013). *Iran Between Two Revolutions*. Translated by Ahmad Gol Mohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi. 21<sup>th</sup> edition, Tehran: Ney.
- Ahmadi, Babak. (2012). *Philosophical Dictionary of Marx*. 5<sup>th</sup> edition, Tehran: Markaz.
- Ali, Tariq. (2017). Lenin's Love Shaped the Literature of the Russian Revolution. Translated by Ali Tarjoman. *Tarjoman*. (4), 157-161.
- Allot, Miriam. (2014). *The Novel as Narrated by Novelists*. 3<sup>th</sup> edition, Tehran: Markaz.
- Anonymous .(1981). *Documents and Perspectives on Iran from the Beginning of Its Emergence to the February 1979 Revolution*. Publication of the Tudeh Party of Iran. PDF Version.
- Ashuri, Dariyush and Afshar Naderi, Naderi. (2008). *Introduction to the Book of Utopia*. 3<sup>th</sup> edition, Tehran: Kharazmi.
- Balay, Christophe. (1998). *The Emergence of Persian Novel*. Translated by Mahvash Gadimi and Nasrin Khatat. Tehran: Moin.
- Baraheni, Reza. (1989). *Storytelling*. 4<sup>th</sup> edition. Tehran: Alborz.
- Dusti Moghaddam, Golpari. (2023). "A Study of the Characters in The Black Day of Workers" *Quartely Journal of Strategic Studies in the Humanities and Islamic Sciences*. 5 (27), Autumn, 495-525.
- Eagleton, Terry. (2014). *Marxism and Literary Criticism*. Translated by Akbar Masum Beygi. 3<sup>th</sup> edition. Mashhad: Butimar.
- Engels, Friedrich. (2004). *The Evolution of Socialism from Utopia to Science*. Unknown Translator. Kargari Socialisti Press. (PDF Version).
- Fakhrai, Ebrahim. (1997). *Sardare Jangal*. 13<sup>th</sup> edition, Tehran: Jaavidan.
- Farzam, Elham, Rouhani, Masood, Baloo, Farzad and Ghanipour Malekshah Ahmad. (2021). "A Comparative Study of Elements the of Socialist Realism in Persian and Russian Novels." *Interdisciplinary Study of Literature Arts & Humanities*. (1) 1, Spring & Summer, 157-181.
- Feyrahi, Davood, (2017). *Jurisprudence and Party Governance*. 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Ney.

- Golshiri, Houshang. (2001). *Garden in the Garden*. Volume 1, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: niloofar.
- Grant, Damian. (2016). *Realism*. Translated by Hasan Afshar. 7<sup>th</sup> edition, Tehran: Mazkaz.
- Haji Aqa Babaai, Mohammad Reza and Mohammadi, Ghazaleh. (2021). "Reviewing Genres and Contets of Socialist Realism Stories in Periodicals of Tudeh Party of Iran." *Contempoary Persian Literature*, 11(2), 127-155.
- Hajizadeh, Mohammad. (2005). *Interpretive Dictionary of Names*. Tehran: Jamedaran.
- Khadadade, Ahmadali. (1927). *History of Darius*. Sharafat Ahmadi Press.
- Khadadade, Ahmadali. (1947). "A Fearful Government Harms the People." *Bistoun Newspaper*, (85), July.
- Khadadade, Ahmadali. (1947). "Find Freedom in Islam." *Bistoun Newspaper*, (63), July.
- Khadadade, Ahmadali. (1947). "The Number Wants a Breath." *Bistoun Newspaper*, (70), July.
- Khadadade, Ahmadali. (1947). "We and the Peasants of Iran." *Bistoun Newspaper*, (54), June.
- Khadadade, Ahmadali. (2016). *The Black Day of Workers*. Edited by Naser Mohajer and Asad Seyf. Tehran: Noghteh.
- Khosrowpanah, Mohammad Hossein and Bast, Oliver. (2013). *The Justice Party of Iran from Southern Caucasus to Northern Khorasan*. 2<sup>th</sup> edidtion, Tehran: Pardis-e Danesh, 136-146.
- Khosrowpanah, Mohammad Hossein. (2010). "The Beginning of Socialist Realism in Iran." *Zendeh roud Quartely Magazine*. (52). Autumn and Winter.
- Maleki, Khalil. (1978). *History of Socialism*. 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Ferdowsi.
- Mir Abedini, Hasan. (2001). *One Hundred Years of Storytelling in Iran*. Volume 1, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Cheshmeh.
- Mirsadeghi, Jamal. (2001). *Elements of Story*. 4<sup>th</sup> edition, Tehran: Sikhan..
- Momeni, Bagher. (1979). *The Face of Rural Iran*. Tehran: Peyvand.
- Nazemi, Houshang (Amir Nik Ayin). (2008). *Political and Social Dictionary*. 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Publication of the Tudeh Party of Iran.
- Pishevari, Jafar. (1980). *History of the Justie Party*. Tehran: Elm.
- Sadeghi Shahpar, Reza. (2010). "The First Climate Novel in Contemporary Iranian Storytelling." *Literature Month Book*. (40), 35-39.
- Seyyed Hosseini, Reza. (2006). *Literary Schools*. Volume 1. 14<sup>th</sup> edition, Tehran: Negah.

- Shahri, Alef. (2016). *Foreword to the Russian Edition of The Black Day of Workers*. Translated by Soroush Habibi. Russia: Noghteh.
- Shiri, Gahraman. (2015). *Literary Schools in Iran*. 2<sup>th</sup> edition. Tehran: Cheshmeh.
- Soltani, Ali. (1999). *Political Parties and Secret Societies in Kermanshah from the House of Forgetting to the Black House*. Volume 2. Tehran: Soha.
- Zabih, Sepehr. (2005). *History of the Communist Movement in Iran*. Volume 1. Translated by Mohammad Rafii Merabadi. Tehran: Atayi Press.